

اخلاق و زیبایی‌شناسی در آثار باختین

سودا کلیسکان

ترجمه مهدیه مفیدی

درآمد: میخائیل باختین، نظریه‌پرداز و منتقد ادبی روس از جمله افرادی است که نظریه‌های خود را بر زیست روزمره انسان‌ها بنا نهاده است. باختین با الهام از مفهوم «کارنوال» سعی می‌کند «مقاومت» را در شرایط سخت و طاقت‌فرسا تئوریزه کند. باختین هستی انسان را نتیجه گفت‌وگو می‌داند و دیالوگ را جنبه هستی‌شناختی وجود انسان. در اندیشه او «دیگری» نقش بسزایی در شکل دادن سوژه و دنیای او بازی می‌کند. مطالعاتی که در باب باختین انجام شده اغلب به دغدغه‌های زیبایی‌شناختی و یا اخلاقی او پرداخته است، اما این مقاله با نگاه تاریخی به آثار باختین سعی دارد تلفیق این دو وجه را در نوشته‌های او مورد بررسی قرار دهد.

بررسی تاریخی آثار میخائیل باختین به اندازه مفاهیم اصلی اندیشه او جذاب و جالب است. شرایط استثنایی زندگی او نه تنها نگاه دانشمندان ادبیات را به سمت خود جلب می‌کند، که حتی توجه سیاسی‌دان‌ها، تاریخ‌دان‌های فرهنگی، زندگی‌نامه‌نویسان و حتی فیلم‌سازان را به سمت خود می‌چرخاند. جزئیات زندگی او چنان گسترده منتشر شده‌اند که آنهایی که تنها با نظریه دیالوگ و کارنوال باختین آشنا هستند حکایت حماسی رد شدن پایان‌نامه دکترای او در دانشگاه رابله و همچنین داستان استفاده او

از کاغذهای دست نوشته‌اش در باب «داستان آموزش و اهمیت آن در تاریخ رئالیسم» برای کاغذ تنباکو و نابود کردن تمام کاغذهای این کتاب را شنیده‌اند.

ما در این‌جا بیش از آنکه به قهرمان‌گرایی و اراده او بپردازیم، تصمیم داریم تاریخ‌نگاری نوشته‌های او را از نظر بگذرانیم. اکثر نوشته‌هایی که درباره او منتشر شده‌اند تنها به بخشی از دیدگاه‌های او توجه کرده‌اند و این انتخاب باعث نادیده انگاشتن ابعادی از اندیشه او خصوصاً مبحث اخلاق شده است.

اگر آثاری را که درباره نویسنده آنها تردید وجود دارد کنار بگذاریم، می‌توانیم آثار باختین را در سه دسته عمومی طبقه‌بندی کنیم: ساختمان اثر ادبی، دیالوگ و گفت‌وگو. دسته نخست به طور عمده به نوشته‌های فلسفی او بر می‌گردد. دسته دوم در باب ادبیات و گفتمان است و دسته سوم به گونه‌ای نظریه فرهنگی اوست. در دسته نخست آثاری همچون «هنر و پاسخ‌دهندگی»، «مؤلف و قهرمان در فعالیت زیبایی‌شناختی»، «مشکل محتوا، فرم و مواد در هنر کلامی» (این سه مجموعه در قالب یک کتاب با نام «هنر و پاسخ‌دهندگی» منتشر شده‌اند)، «به سمت فلسفه عمل» و تمام آثاری که به دهه ۱۹۲۰ بر می‌گردند جای می‌گیرند. به جز «هنر و پاسخ‌دهندگی» باقی این آثار تا دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ تنها به زبان

روسی منتشر شده بودند. باختین تا پایان زندگی‌اش درگیر سؤالاتی بود که از زمان جوانی ذهن او را اشغال کرده بود. به عنوان مثال نوشته‌های «مشکل متن علوم انسانی، فلسفه و زبان‌شناسی: تجربه‌ای در تحلیل فلسفی» و «به سمت متدولوژی برای علوم انسانی» که در دهه ۱۹۷۰ منتشر کرد، متأثر از چنین ارجاعاتی بودند.

دومین دسته از کارهای او به نظریه «گفت‌وگو» می‌گردد. اکثر نوشته‌های او در اواخر دهه ۱۹۲۰، دهه ۱۹۳۰ و اوایل دهه ۱۹۴۰ در این دسته می‌گنجد. مجموعه مقالات او در کتاب «تخیل دیالکتیک» و نوشته‌های او در باب داستایفسکی از این جمله‌اند.

نظریه او در باب کارنوال در پایان‌نامه دکتری‌اش در بابلیز شکل گرفت و در آغاز دهه ۱۹۴۰ کامل شد، اما انتشار آن تا سال ۱۹۶۵ به تعویق افتاد.

ترجمه‌های این آثار ساختاری به مراتب پیچیده‌تر از خود آنها داشتند.

اولین کتابی که به زبان‌های غربی ترجمه شد کتاب «رابله و دنیای او» به زبان انگلیسی در سال ۱۹۶۸ بود که با آن باختین خود را به عنوان یک نظریه‌پرداز فرهنگی در باب کارنوال به خواننده‌های غربی‌اش معرفی کرد. با انتشار کتاب «مسائل بوطیقای داستایفسکی» در سال ۱۹۷۳ او به مثابه یک نظریه‌پرداز ادبی مطرح شد. این شهرت او با چاپ کتاب «تخیل دیالکتیک» در سال ۱۹۸۱ به اوج رسید. این کتاب شامل چهار مقاله بود که به رمان به مثابه



یک ژانر می‌پرداخت.

بعد از انتشار آثار باختین به انگلیسی، «انواع سخن و دیگر مقالات» در سال ۱۹۸۶، «هنر و پاسخ‌دهندگی» در سال ۱۹۹۰ و «به سمت فلسفه عمل» در سال ۱۹۹۳، وی فیلسوفی شناخته شد که به اخلاقیات می‌پردازد. هرچند که باختین به شکل گسترده‌ای در باب زبان، ادبیات و گفت‌وگو کار کرده است اما مشخص است که طرح وسیع‌تری در باب ذهن داشته است. به همین دلیل او خود را بیش از آنکه نظریه‌پرداز فرهنگی بداند، فیلسوف می‌داند. حتی یک بررسی عجولانه از کارهای او به خوبی ایده‌های جدیدش را آشکار می‌کند. موضوعات نوشته‌های او از زیست‌شناسی تا رمان، از روان‌شناسی تا زبان‌شناسی، و از فلسفه تا لغت‌شناسی را شامل می‌شوند. زمینه‌های کاربردی نظرات او حتی گستره وسیع‌تری از جمله انسان‌شناسی، علوم سیاسی و ارتباطات را در بر می‌گیرد.

فلسفه نهفته در تمام نوشته‌های او مشترک است که برخی آن را «گفت‌وگو گرایی»، برخی دیگر «هم‌زمانی تفاوت»، برخی «اخلاق بینانسانی» و برخی نیز «انسان‌گرایی دیگری» نامیده‌اند. این فلسفه اساسش را بر دو اصل نهاده است: تفوق خاص بر عام، و طرد نظام‌مند جمع به نفع تکثرگرایی.

В ЭТОМ ЗДАНИИ В
1945-1961 гг. РАБОТАЛ
ВЫДАЮЩИЙСЯ
МЫСЛИТЕЛЬ
XX ВЕКА



БАХТИН
МИХАИЛ
МИХАЙЛОВИЧ

/1895-1975/

نخستین مقاله‌های فلسفی باختین دغدغه‌های او را در باب ویژگی هر شخص و پرسش اخلاقی مسئولیت نشان می‌دهند. تحقیقی که درباره ماهیت خودخواهی داشت توجه او را به سمت دیگری و ارتباطات خود و دیگری جلب کرد. این ارتباط که در آغاز با سؤالی اخلاقی مطرح شد بعد از مدتی به صورت طرحی زیبایی‌شناسانه تغییر یافت. به این شکل دغدغه‌های زیبایی‌شناختی و اخلاقی او در هم تنیده شدند و حتی در حکم یک چیز واحد درآمدند.

در حقیقت این تمایل باختین به خلق یک زیبایی‌شناسی اخلاقی یا اخلاق زیبایی‌شناختی در اولین نوشته‌اش یعنی «هنر و پاسخ‌دهندگی» به خوبی به چشم می‌آید. همان‌گونه که در عنوان کتاب مشخص است این مقاله‌ای در باب زندگی و هنر محسوب می‌شود، که از دو حوزه مختلف به اشتراکی در این حیطه می‌رسد.

باختین اخلاقیات از رفتارهای یگانه و بی‌نظیر انسان‌ها ناشی می‌شود: اجبار در ارتباط بین درستی و قدرت تشخیص ما حضور پیدا می‌کند و همیشه عملی فردی است که در بستری از زندگی واقعی ارزش‌گذاری می‌شود. (عمل، ۵)

باختین در «به سوی فلسفه عمل» این ارتباط را شرح می‌دهد: «مضمون اجبار نیست که مرا مجبور می‌کند بلکه امضای من در پایین عمل است که برای من اجبار می‌آورد. اینکه من می‌دانم و یا اطلاعات داده شده را تأیید می‌کنم». (عمل، ۳۸)

این تلفیق دانش (انتزاعی) با آگاهی (تجربه زندگی شده) بر دوگانگی دانش و زندگی فائق می‌آید.

اگر نظریه‌پردازی رویکرد اشتباهی به اعمال انسانی است همدلی ابزار مناسبی برای درک عمل خواهد بود. اما این دیدگاه نیز مشکلات خاص خودش را خواهد داشت. برای رسیدن به همدلی شناسایی دیگری ضروری می‌نماید؛ شناسایی‌ای که باید در آن خویشتن را کنار گذاشت. «اگر من واقعاً خودم را در دیگری فراموش کنم، دو جزء یکی خواهند شد». (عمل، ۱۶) انتزاع نظری ارزش عمل فردی را نادیده می‌انگارد و همدلی انسان‌ها را در هم ادغام می‌کند و به همین لحاظ مورسون و امرسون می‌گویند: «اخلاق نظام‌مند هیچ انسانی را در نظر نمی‌گیرد و همدلی یک انسان را لحاظ می‌کند». (عمل، ۱۱)

در اندیشه باختین ارتباط «اخلاقی»، یگانگی و چندگانگی درک عمل، یک ارتباط زیبایی‌شناختی است که در رساله طولانی او، «مؤلف و قهرمان» در فعالیت زیبایی‌شناختی مطرح شده است. در این رساله باختین تأکید می‌کند که منظور از مؤلف «یک شخص» نیست بلکه مقصود «یک خالق» است، و «قهرمان» یک شخصیت ساده نیست بلکه تصویری از یک بشر است که به مثابه کلیت دیده می‌شود. بنابراین ارتباط بین آنها ارتباط «خود/دیگری» نیست. «چیزی که یک عکس‌العمل را به طور خاص زیبایی‌شناختی می‌کند عکس‌العملی است که قهرمان را به مثابه یک انسان می‌بیند». (عمل، ۵۵)

در «به سوی فلسفه عمل» و «مؤلف و قهرمان» فعالیت زیبایی‌شناختی»، که حاصل دهه بیست زندگی باختین هستند، سؤال مشابهی درباره فعالیت اخلاقی و زیبایی‌شناختی مطرح می‌شود. «به سوی فلسفه عمل» یا حمله به سوی چیزی که باختین آن را «اصالت نظریه» می‌نامد آغاز می‌شود (اصالت نظریه همان تمایل به عمومی کردن تجربه‌های شخصی و خاص انسان‌هاست).

این عمومی‌سازی، اصولی که قواعد و هنجارهای جامعه از آنها منتج می‌شوند محسوب می‌شود. انتزاع نظری یگانگی و بی‌نظیری فعالیت انسانی را از بین می‌برد و خصلت رخدادگون این فعالیت را نادیده می‌انگارد. این گونه‌ای تقلیل‌گرایی یا در واقع رویکردی غیراخلاقی به انسان است.

با وجودی که نظریه‌گرایی در تمام قلمروهای هنری و فرهنگی به طور برجسته‌ای دیده می‌شود اما دغدغه اصلی باختین بررسی معنای عمل در اخلاقیات به‌طور عام و به‌طور خاص در کانت است. ضرورت اخلاقی کانت انسان را به گونه‌ای جهانی عمل کردن مجبور می‌کند و می‌گوید وقتی چیزی برای یک شخص درست باشد، برای تمام اشخاص جهان در موقعیتی مشابه نیز درست خواهد بود. با این ضرورت قطعی، کانت سعی می‌کند با پل زدن بین ابروه و سوژه دوگانگی آنها را از میان بردارد. مسئله باختین با تلمیح دور باطل در این ایده جهانی شدن است. ضرورت قطعی می‌گوید که اراده بعد از تأیید قانون، خود به مثابه یک اراده فردی می‌میرد. «اراده دایره‌ای را ترسیم می‌کند، خود را به درون آن می‌اندازد و به این شکل برای خودش کشنده و نابودکننده می‌شود». (عمل، ۲۶) در این‌جا این سؤال مطرح است که دیگران با وجود شباهت در موقعیت دقیقاً چه شباهتی با من دارند؟ آیا می‌توانم خود را با دیگران متفاوت ببینم در حالی که ضرورت اخلاقی را نیز فراموش نکرده باشم؟ از نظر



ژورنال نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی